

قیاس مع الفارغ

پیرزاه و وعده ۲۱۰،۰۰۰ دلار به هرایرانی

امیرفیض- حقوقدان

آقای رضا پیرزاده که هیچ سمتی رسمی و اعلام شده ندارد و همه جاهست و هیچ جاهم رسماً نیست اخیراً برنامه ای درافق ابوشریف ثانی داشت که شاید ایجابی باشد برای رد قبول آن.

قیاس مع الفارغ

اساس ادعای ایشان انجام یک کار اقتصادی و مقایسه بین قبل از انقلاب و بعد از انقلاب بوده است.^۱

نخستین توجه تاسف انگیز اینکه ایشان در آن اظهارات مفصل هر جا که ناچار بوده از دوران سلطنت شاهنشاه ایران و یا دولت و نظام شاهنشاهی ایران یاد کند از کلمه قبل از انقلاب یاد کرده و سعی کاملاً آشکار داشته که نام شاه و شاهنشاهی و نظام سلطنت مشروطه ایران در اظهارات ایشان بمیان نیاید.

درست مانند اینکه ایشان در اداره اطلاعات جمهوری اسلامی است که باید احتیاط کند که نام شاه از دهانش بیرون نیاید.

آقای پیرزاده

قبل از انقلاب یعنی چه؟ آیا نام نظام قانونی حاکم بر ایران نظام قبل از انقلاب بوده؟ آیا قانون اساسی و متمم آن نامش قانون اساسی قبل از انقلاب بوده؟ آیا هویت سیاسی ایران انقلاب بوده؟ آیا شورش ۵۷ علیه انقلاب بوده و یا علیه نظام سلطنتی مشروطه ایران؟

این کوته بینی، عقده حقارت، دشمنی، نادانی، نامردی چرا؟ چرا باید از سلطنت در این حد ترسید؟ از ذکر نام شاه و شاهنشاهی و نظام سلطنت ایران حتی درجائی که ادای حق مطلب است و همه داشت؟ آن زندگانی مرفه و درآمد بالای مردم کشور که توسط پیرزاده با کشورهای ترکیه و کره جنوبی مقایسه شد به همت و تلاش شاهنشاه و حکومت شاهنشاهی ایران تحقق پذیرفت و یا بوسیله دوران قبل از انقلاب؟ یک الف بچه سیاسی و اینقدر خودخواهی ها و نادانی ها و پرده پوشیها و کتمان حقیقت حقیقتاً که اعجاب انگیز است.

چو شیران برفتند زین کارزار کند روبه لنگ اینجا شکار

^۱ - انتخاب و بکار گیری واژه «انقلاب» از پیرزاده است. این نشان از آن دارد که او و همفکرانش غصب عدوانی ملایان در ایران را «انقلاب» پذیرفته اند. و این توهینی است به مردم ایران و انقلاب مشروطه و انلاب سفید شاه و مردم. ح-ک

والترلیمین گفته است: <وقتی منطق و عقل معرف خصوصیات روحی جامعه ای نباشد آنوقت است که تمایلات و اشتها و شهوات افراد کوچک جامعه را آلت دست (ویا اظهارات) خود قرار میدهند.>

نه آقای پیرزاده معرفت و منطق عقلانی از جامعه فرهنگ ایرانی رخت برنسته که تمایلات و شهوات امثال شما بتواند جامعه را آلت دست شما بسازد.

در همین برنامه، میهمان برنامه که آقای دکتر شجاعی معرفی میشد در موردی که لازم بود تا باب مقایسه گشوده شود، حق مطلب را از دوران سلطنت شاهنشاه مانند پیرزاده پایمال نکرد و بحث مختصر و شایسته ای از دروازه تمدن بزرگ و نیت پادشاه ایران اظهار داشت که واقعا در کنار اظهارات پیرزاده بسیار عجیب و غیر مترقبه بود و صحنه گفتن یک دوست و دشمن با شاهنشاه ایران را متبادر به ذهن میکرد.

قیاس مع الفارغ

مقایسه دوران سلطنت شاهنشاه ایران با دوران جمهوری اسلامی که از نظر اقتصادی و درآمد عمومی مورد مقایسه پیرزاده قرار گرفته است قیاس مع الفارغ است یعنی مقایسه نادرست و غلط است زیرا:

← مبنای تشخیص و معیار پیرزاده انقلاب! ۵۷ انتخاب شده است و مفهوم و معنای انقلاب یعنی نارضایتی مردم از نظام حاکم و خواستاری نظامی که انقلاب خواستار آن است.

کسی که شورش ۵۷ که با همراهی و حمایت کشورهای خارجی بمقصد ناکار کردن فعالیت های نفتی و توقف اقدامات تامین کننده حقوق ملت ایران را انقلاب مینامد نمیتواند باب مقایسه ای برای دوران قبل از انقلاب و بعد از انقلاب (نقل قول از پیرزاده) باز کند؛ زیرا دوران قبل از انقلاب در ذهن پلید پیرزاده؛ هر چه بوده و با هر دستاوردی که بوده و با هر احترام و حفظ شئون ملی که بوده مردم آنرا نفی کرده اند و چیزی را خواسته اند که انقلاب برایشان فراهم کرده بنابراین برای کسانی مانند پیرزاده که برای شورش ۵۷ قائل به مشروعیت انقلابی هستند این تفکر قبول کردنی نیست که دستاورد انقلاب مردم! را نفی کنند.

← فعالیت سیاسی شورشیان از جمله طاغوت شناختن شاهنشاه و نفی اقدامات طاغوت (آیه قرآن) و ابطال همه قراردادهای زمان شاه و کشتار مسئولین کشور در زمان شاه از یکطرف و اعلام رسمی خمینی رهبر شورشیان به اینکه زمان شاه مردم همه چیز داشتند ما آنها را گرفتیم و اسلام را بجایش آوردیم، موبد این است که نمیشود اقتصاد زمان شاه را با اقتصاد جمهوری اسلامی مقایسه کرد بلکه تنها میتوان اسلام زمان شاه را با اسلام رایج در جمهوری اسلامی مقایسه کرد

جامعه سیاسی و انقلابی! که رهبرش اقتصاد را مال خر میداند چطور میتواند چنین جامعه ای را با جامعه زمان شاه که تمام هم و غم شاه توجه به اقتصاد بود مقایسه کرد؟

جامعه زمان شاه که هدف از برنامه انقلاب سفید تامین زندگی مرفه و زوال فقر و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور بود چگونه میتواند در باز مقایسه با جمهوری اسلامی قرار گیرد که به چیزی که اهمیت

نمیدهد اقتصاد و وضع معیشت مردم است و برعکس هدف نهائی جمهوری اسلامی <فراگیری فقر عمومی است> (مهدوی کنی).^۲

در زمان شاه مسئولیت نان و آب و زندگی و رفاه مردم با دولت بود و اکنون بنابر فلسفه اسلامی با خداست نه با دولت؛ آیا این وجه تمایز بنیادی اجازه مقایسه ایام سلطنت مشروطه ایران را با جمهوری اسلامی میدهد؟

زمان شاه هدف کشور عبور از دروازه تمدن بزرگ بود ولی در شعارهای شورشیان مذهبی ملت ایران به **سگ تشبیه** شده بود که میخواست از تمدن بزرگ بگذرد و اکنون هدف جمهوری اسلامی بستن در دروازه تمدن بروی ایران و محروم کردن کشور از هماهنگی با جهان آنها در حد حفظ حالت جنگ و دشمنی با کشورهای غیرمسلمان جهان (قانون اساسی جمهوری اسلامی) آیا انسان شرم نمیکند که باب قیاس را آنها در عبارت (قبل از انقلاب و بعد از انقلاب) بگشاید؟

نظام ملی

پیرزاده مدعی شد <اگر بعد از انقلاب یک نظام ملی داشتیم امروز به کجارسیده بودیم> عبارت صحیح و منصفانه به جای عبارت بی معنای پیرزاده میتواندست این باشد:

(اگر خارجی‌ان در امور ایران دخالت نمیکردند و شورش ۵۷ را تدارک نمینمودند؛ امروز به کجا رسیده بودیم).^۳

چرا هراس دارید از گفتن آن حقیقت که حتی مردم کوچه و بازار ایران هم آنرا با جان و روح درک و اذعان دارند و در خارجه کسانی مانند پیرزاده از ذکر آن نه تنها فرار میکنند بلکه به کوچه علی چپ هم میروند.

چرا عبارت بی معنا - زیرا حکومت و نظامی که با انقلاب به دست بیگانه روی کار می‌آید، نظام ملی نیست.

نظام ملی آن نظامی است که از بطن جامعه برخاسته باشد. بنابراین جمهوری اسلامی تنها و تنها به زعم کسانی که برای شورش ۵۷ قائل به مشروعیت انقلابی هستند (پیرزاده و همفکرانش) حکومت و نظام ملی است.

ادعائی از سر نادانی

پیرزاده مدعی شد که ایرانیان در مورد نقض حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی تحقیق بسیار کرده اند ولی چون در جهت وضع اقتصادی بعد از انقلاب کار لازمی نشده ما این کار را انجام داده ایم.

هیچ آدمی امروزه اگر یک جو عقل داشته باشد چنین مهملی نمیگوید، دانه تحقیق و تعداد محققین بقدری فراگیر است که انسان با همه موقعیتی که برای خودش در امر تحقیق و کسب دانش تصور میکند قطره ای هم

^۲ - اسلام فقر و فقیر زندگی کردن را ثواب و موردی از خواست «الله» میداند. ح-ک

^۳ - یا، اگر مشتی خودفروش و فاحشه سیاسی نبودند تا با پول بیگانه هم خود و هم زن و بچه و هم ایران را بفروشد امروز کجا رسیده بودیم؟؟

درمقابل آن دریای بیکران تحقیقات نیست، اینکه میگویند (دید برخی تا نوک دماغشان است) مقصود همین پیرزاده و همانند او است. **پیرزاده از کجامیداند که در امر خسارات وارده به ایران تحقیق نشده است؟ در کتاب قضاوت که در بهمن ماه سال ۱۳۵۹ در لندن از انتشارات سنگر منتشر شد ۲۷ صفحه اول آن کتاب به زیان های اقتصادی که حکومت ملاها بر کشورما وارد کرده اختصاص داده شده است. در بهمن سال ۱۳۶۰ کتاب حرکت باجر تالیف پشتون، فصل مشابهی از خسارات اقتصادی حکومت ملاها به ایران را دارد.**

این دو مورد به اشاره رفت که نشان دهد از همان آغاز حکومت غاصب جمهوری اسلامی موضوع خسارات اقتصادی حاد ترین موضوعات بوده است. هزاران هزار مقاله و رساله درباره اقتصاد مسموم و فروپاشیده جمهوری اسلامی انتشار یافته. اساسا، پاشنه آشیل جمهوری اسلامی وضع اقتصادی کشور است حتی در همین برنامه هم، میهمان برنامه از ادعای جلف و نادانی پیرزاده غافل نماند و آنرا مورد تذکر قرار داد.

تنها موردی که میتوان ادعا کرد همین شورای تجزیه طلبان و افراد آن از جمله همین پیرزاده نفراول خط موضوع هستند، که مسئله زمینه سازی برای تجزیه کشور را آماده کرده اند نه بررسی زیان های اقتصادی کشور.

صحبت زیرگوشی به آقای پیرزاده

یکی از ناپختگی های شما مانند کودکان عقب افتاده این است که خیال میکنید مردم نمی فهمند که اظهارات شما در این برنامه اقتباس از مقالات آقای فریدون خاوند است.^۴

بجای اب و برق مجانی

در مبارزه سیاسی وعده های کاذب دادن یک امر معمولی است ولی اگر کسی در مقام و موقعیتی نباشد که صلاحیت وعده دادن را داشته باشد و وعده های واهی بدهد آن شخص کلاهبرداری سیاسی است که پیرزاده در آن موقعیت خود را قرار داده است.

اصل و اساس برنامه افق و اظهارات پیرزاده برای دادن وعده واهی به ایرانیان بوده است؛ توضیح آن این که بنابر محاسبه پیرزاده و شورای تجزیه طلبان، جمهوری اسلامی بهر ایرانی علاوه بر در آمدی که

^۴ - انگار دزدی ابتکار سیاسی و اقتصادی و ابتکار فکری مد روز شده است، زیرا شاهین نژاد و هم مسلک هایش «رنسانس» را از استاد شفا میدزدند، خانم منصوره پیرنیا نوشته های استاد شجاع الدین شفا را عینا کپی میکند و کتاب مینویسد و بنام خودش و شوهرش چاپ میکند و پیرزاده و اعوانش فکر و نظریه دیگران را.. آنهم تازه چون خودش چیز زیادی از اقتصاد نمیداند، یعنی در شورای تجزیه طلبان بطور کلی کسی نیست که از اقتصاد سر در بیاورد لای دندان صحبت میکنند و به نعل و میخ میکنند. ح-ک

آن ایرانی دارد، ماهیانه ۱/۵ میلیون تومان هم حق مسلم اوست که جمهوری اسلامی آنرا نپرداخته است که محاسبه آن در مدت یکسال میشود ۱۸ میلیون تومان و ظرف ۳۵ سال حکومت غاصبانه جمهوری اسلامی، مطالبه بحق هرفرد ایران ۶۳۰ میلیون تومان که بامحاسبه دلاری ۳۰۰۰ تومان سهم مسلم هرایرانی میشود ۲۱۰،۰۰۰ دلار.

اگر خمینی وعده آب و برق مجانی داد این الف بچه سیاسی هم خودش را گم کرد که کیست و وعده دویست و ده هزار دلار پول بهرایرانی داد این را میگویند صحنه سازی متقلبانه برای فریب مردم که با این فریب همراه شوند که شورای تجزیه طلبان کسی است که میخواهد بهرایرانی دویست و ده هزار دلار برساند.

تاکید بر تاکید

ضرب المثلی داریم که میگوید قاچ زین را بگیر اسب دوانی پیش کشت؛ رساندن ۲۱۰،۰۰۰ دلار به هریک از ایرانیان پیشکشان دست از زمینه سازی برای تجزیه ایران بردارید. خمینی اگر وعده آب و برق مجانی داد حد اقل سند تجزیه ایران را پیشاپیش امضا نکرده بود، ولی شما آقای پیرزاده کرده اید. اگر مردم برای دیدن خمینی ناچار و شرط بود که اول پولی به حساب ۱۰۰ خمینی بریزند، در دکان تجزیه طلبان هم شرط بود کسانی که میخواهند اعلیحضرت رابه بینند و یا مطلبی دارند اول باید سند تجزیه ایران را امضا کنند تفاوت این دورا میتوانید تشخیص بدهید.

شما نمیتوانید خیانت بزرگ خودتان و شورای تجزیه طلبان در فراهم کردن زمینه تجزیه ایران را با این وعده های پوچ و خیالی ماست مالی کنید.



از راست: نیک آهنگ کوثر، رضا پیرزاده، اعلیحضرت رضا پهلوی، شخصی بنام آرش کمانگیر